



گرایش های سیاسی اجتماعی سید قطب مفسر فی ظلال القرآن

1 فریبا خاقانی

1 کارشناسی ارشد . دانشکده الهیات ، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، ایران.

کتابخانه الغدير، اداره کل استان آذربایجان شرقی، نهاد کتابخانه های عمومی کشور.

آدرس پست الکترونیک: (khaghanidaryan@yahoo.com)

چکیده

سید قطب، در یکی از روستاهای استان اسیوط مصر، پا به عرصه وجود گذاشت. او پیوسته قلم را در راه شناخت اسلام و خدمت به جامعه انسانی به کار برده است و شمع وجود خویش را در راه رضایت الله گذاخته است و در زمینه های مختلف ادبی و تربیتی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فلسفی و دینی به نوشتن پرداخته است. سید قطب رویکردی جهان بینانه به اسلام داشت و به صراحت به ماهیت اندیشه خود اشاره کرده است. او اسلام را به مثابه آیین جهان بینی آن طرح و از آن دفاع می کرد. محور اصلی اندیشه های سیاسی - اجتماعی سید قطب ایجاد حکومت الهی بر مبنای قوانین اسلام بود. به همین علت هم، استکبار و استعمار ستیزی را همواره قدم اول استقلال و ایجاد حکومت اسلامی می دانست. با توجه به این موضوع، ما در این نوشتار به چند محور اصلی اندیشه های سیاسی اجتماعی سید قطب از جمله غرب ستیزی، حاکمیت اسلام، جهاد و... و همکاری وی با اخوان المسلمین پرداخته ایم.

کلیدواژه: سید قطب، اسلام، غرب، حکومت، سیاست.



Social and political ideas of sayyid qutb al commentor fi sheds

1.fariba.khaghani

1. Department of Physics, University of azad tabriz, tabriz,Iran.

Iran public libraries foundation , Tabriz, iran.

(Email: khaghanidaryan@yahoo.com)

Abstract political-social orientations of seyed Qutb, the commenter of the " in the shadows of the Quran"

. Seyyed Qutb was born in one of the villages of Osivet province in Egyptian. He applied his pen in the way of understanding Islam and service to human society and he dedicated his life to God satisfaction. He wrote many things in the different fields of literacy, training, social, economic, philosophical, and religious. Seyyid Qutb had an ideological approach to Islam and he referred to his perspective nature explicitly. He introduces the Islam as an ideological religion and defends of it.

The main theme of his social-political opinions was creation of divine government based on Islam regulations. For this reason, he believed that the anti-imperialism and anti-colonialism are the first step in the creation of Islamic government. Accordingly, we try to study some main themes in the social-political opinions of Seyyid Qutb including anti-west, the rule of Islam, jihad ... and his cooperation with Ekhvan al-Muslims.

Keywords: Seyyid Qutb, Islam, west, government, policy.



مقدمه

سید قطب در یکی از دهکده های مصر پا به عرصه وجود گذاشت. وی تحصیلات دوره ابتدائی را در زادگاه خویش به پایان رسانید و درکنار آن از پدرش قرآن و آداب دینی بیاموخت و هنوز بیش از ۱۰ سال از عمر وی نگذشته بود که همه قرآن را حفظ کرد. در سال ۱۹۴۹ به همراه یک هیئت فرهنگی و پژوهشی برای مطالعه و بررسی روشهای تعلیم و تربیت، به آمریکا سفر کرد و ساز تمدن غرب دو سال و نیم در واشنگتن و کالیفورنیا به انجام این امر مهم پرداخت و با جامعه فاسد و مظاهر فریبنده و گمراه از نزدیک آشنا شد و سخت بر آن تاخت. از سال ۱۹۵۱ به بعد به جمعیت اخوان المسلمین که حسن البنا، آن را بنیانگذاری کرده بود پیوست و فعالانه در پیشبرد اهداف آن به تلاش پرداخت و به ریاست شورای نویسندگان روزنامه ارگان رسمی آن جمعیت تعیین گردید و در این مسیر به نوشتن کتابهای فراوانی همت گماشت. سید قطب ادیبی بود که طی پانزده سال آخر عمرش به عنوان ایدئولوگ اخوان المسلمین درآمد. در کتاب ویژگی های ایدئولوژی اسلامی در مورد سید آمده است: سید قطب، دردمند است، درد دین، درد خدا، درد جامعه ی انسانی، مسلمانان، مصر، بشریت. سید قطب مرد وطنی است، اما این وطن مصر و عراق و شام نیست، و به همین تهمت شهید اسلام می شود. (قطب، بی تا، ص 46)



تولد سید در جامعه ای مبارز

سید قطب در سال 1906 میلادی در دهکده ای از توابع استان اسیوط مصر به جهان گشود. ایام کودکی را در همان دهکده به سر برد و دوران دبستان را در همان جا تمام کرد و سپس به شهر آمد. او در شهر به تحصیلات خود ادامه داد و در همان هنگام که نوجوانی کوچک بود، حافظ قرآن شد. (قطب، بی تا، ص 3) او به خانواده ای که از نظر مالی در تنگنا قرار داشت، تعلق داشت. پدرش الحاج قطب ابراهیم نماینده حزب ملی مصطفی کامل در موشا و یکی از مشترکین "اللوا" نشریه ارگان حزب بود. سید قطب به دلیل برپایی جلسات مکرر خصوصی در خانه پدرش در نوجوانی، یک فرد آگاه سیاسی شد و ضمن طرفداری از ناسیونالیسم ضد انگلیسی، مطبوعات و آثار جهانی را از کتابفروشان تهیه می کرد و می خواند. (ژیل کوپل، 1366، ص 36) حاجی قطب ابراهیم دوبار ازدواج کرد که حاصل ازدواج اول یک دختر و حاصل ازدواج دوم سه دختر و دو پسر بود که همگی به نوعی با دولت وقت درگیر شدند و همه آنها طعم تلخ زندان را چشیدند. هنگامی که سید قطب به جرم اسلام خواهی، به زندان افتاد، خواهرش نفیسه و خواهرزاده هایش رفعت و عزمی نیز دستگیر و روانه زندان شده، مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. پس از مدتی نفیسه آزاد شد؛ ولی فرزندان نفیسه یعنی رفعت و عزمی در زندان ماندند. دولت از رفعت خواست ضد دایی اش سید قطب شهادت بدهد تا آزاد شود؛ ولی او نپذیرفت و زیر شکنجه های شدید مأموران زندان شهید شد؛ ولی عزمی پس از مدتی رهایی یافت (خالدی، 1380، ص 42). او در سال ۱۹۵۴ هنگامی که جمعیت اخوان المسلمین به توطئه ترور جمال عبدالناصر رئیس جمهور وقت مصر متهم گردید، همراه گروهی دستگیر و به ۱۵ سال زندان همراه با اعمال شاقه محکوم شد. بعد از سپری شدن ده سال آن، عبدالسلام عارف رئیس جمهور وقت عراق به هنگام سفر به قاهره بسال ۱۹۶۴ شخصاً عفو وی را از جمال عبدالناصر درخواست نمود و سید قطب آزاد گردید. در سال ۱۹۶۵ کتابی را به نام «معالم فی الطریق» نوشت که بر اثر آن همراه دسته ای از اخوان المسلمین به اتهام تلاش برای سرنگونی رژیم حاکم از راه مبارزه مسلحانه، مجدداً به زندان افتاد و سرانجام روز یکشنبه ۱۹۶۶.۸.۲۲ حکم اعدام او از سوی دادگاه عالی نظامی صادر گردید. بدنبال آن، سران و شخصیتها و احزاب



متعددکشورهای اسلامی و جمعیت‌های آزادیخواه دنیا، تظاهراتی به راه انداختند و با ارسال تلگرافها و پخش نوشته‌ها، صدای اعتراض و ابراز انزجار خویش را به گوش جهانیان رسانیدند و آزادی وی را درخواست نمودند، لیکن علی‌رغم همه اینها سحرگاه روز ۱۹۶۶.۸.۲۹ این حکم ظالمانه اجراء و سید قطب و چندی از یارانش بدار آویخته شدند! (انا الله و انا الیه راجعون) و چون استعمار از جسد مرده آزادگان نیز می‌ترسد، فرعونیان زمان او را پنهانی در یکی از مقابر قاهره به خاک سپردند. بدین وسیله خورشید زندگی ظاهری و مادی ۶۰ ساله سید قطب که ۴۰ سال آن به خواندن و ۲۰ سال به نوشتن گذشت غروب کرد. ولی خورشید زندگی باطنی و معنوی او همیشه فروزان و تابان است و هر روز بیش از پیش آتش عشق به الله را در دل آزادیخواهان مسلمان برافروخته می‌سازد و آنان را روانه پیکار با

بی‌دینان چپاولگر و استعمارگران ستم‌پیشه می‌نماید و آثار جاویدانش چنان شوری به سر جوانان اسلام می‌اندازد که تا رستاخیز پرچم مبارزه حق علیه باطل را از دست نخواهند افکند و با نهضتها حماسه‌ها خواهند آفرید و آتشی به جان دشمنان انسانیت خواهند زد. (مقدمه فی ظلال القرآن)
استادان و افراد تأثیرگذار بر سید قطب

افراد متعددی بر سید قطب تأثیر عقیدتی داشتند که این‌جا به اسامی دو تن از آنها اشاره می‌کنیم:
1. ابوالاعلی مودودی (م 1979م): سید قطب بیش از همه به عقاید مودودی احترام می‌گذاشت و شالوده‌ی فکری او نیز مشابه مبنای فکری مودودی بود. هنگامی که در دادگاه نظامی از سید پرسیدند آیا نظرات



مودودی در تکوین آرای وی دخالت داشته است جواب داد: در نوشته ها از نظرات او استفاده کردم و عقیده ی من ، همان عقیده ی اوست.(سوزنگر، 1383، ص32) مودودی، یکی از متفکران بزرگ پاکستانی معتقد به ضرورت تشکیل جامعه اسلامی و مبارزه با استعمار بود. وی در سال 1941 میلادی در هندوستان، حزب «جماعت اسلامی» را تأسیس کرد که شباهت بسیاری به تشکیلات اخوان المسلمین مصر داشت. از نظر مودودی پاکستانی، یکی از علل زوال کشورهای اسلامی قطعا این است که ساکنان آن ها دیگر پیام قرآن را همانند آغاز عصر اسلامی درک نمی کنند.بنابر این برای ساختن یک جامعه اسلامی در ابتدا لازم است مردم، خواندن قرآن را به شکل و محتوی صحیح آن بیاموزند. از نظر سید قطب و مودودی ، تنها حاکمیت قانونی و مشروع در یک جامعه خوب اسلامی، حاکمیت خداوند است.فقط حکومتی عادلانه است که نشان الهی داشته باشد و تنها قانونی مصونیت دارد که بر اساس کتاب خداوند استوار باشد. (کوپل، 1366، ص48)

2 . عباس محمود عقاد: سید قطب در زندگی اش یک ادیب به شمار می رفت. در واقع زندگی ادبی و روشنفکری او عمیقا در اثر برخورد با محمود عباس عقاد، یکی از پیشوایان ادبی آن عصر شکل گرفت.محمود عقاد برخلاف طه حسین و دیگر روشنفکران تحصیل کرده اروپا ، تنها تحصیل کرده ای بود که منحصرآ فرهنگ عربی داشت.او ابتدا در حزب وفد به فعالیت پرداخت . اما بعد از مدتی از آن کناره گیری کرد. عقاد از توده هایی که آن ها را ساده لوحان آلت دست طبقه سیاسی می دانست، دست کشید و تصمیم گرفت بهترین آثار ادبی خود را در راه ستایش مردان بزرگ اسلام عرضه کند. تکامل سید قطب به عقاد شبیه بود. ابتدا عضو حزب وفد بود، سپس از آن کناره گرفت.(کوپل، 1366، ص37) عقاد در سال 1921 مطبوعات مردمی حزب را به سید قطب واگذار کرد.(سوزنگر، 1383، ص32) سید قطب پس از ورود به قاهره به واسطه دایی اش، احمد حسین عثمان با او آشنا شد و به دلیل مشترکاتی که سید با او داشت، تحت تأثیر افکار او قرار گرفت. سید مدتی در مدرسه عقادیه که زیر نظر عقاد اداره می شد، درس خواند و در این مدت با افکار و عقاید او آشنا شد؛ اما پس از مدتی آثار ادبی او را نقد کرد. زمانی که سید در سال 1951 میلادی به طور رسمی به اخوان المسلمین پیوست، عقاد که با اخوان المسلمین به شدت مخالف بود، از سید قطب انتقاد کرد و تحت مقاله ای با عنوان «ارادة الغفلة» به سید بی حرمتی کرد (خالدی، 1380، ص146).



افکار و اندیشه های اجتماعی سیاسی سید قطب

الف) سید قطب و غرب ستیزی

وی به شدت با فرهنگ غربی و غربزدگی مخالف بود و معتقد بود که استعمار غربی نمی تواند فراموش کند که روح اسلامی به مثابه سد مقاومت در برابر گسترش استعمار است و چاره ای جز نابودی این سد وجود ندارد. البته گفتار برخی از مزدوران که می گویند غرب را با دین کاری نیست، و آن را منبع قدرت نمی داند و فقط از نیروی مادی جهان اسلام می ترسد، قبول نیست. حقیقت اسلام غیر از مسیحیت است، اسلام به تجهیز قوا دستور می دهد. به مقاومت و مبارزه ترغیب می کند و کسانی را که تسلیم می شوند، به عاقبت شوم تهدید می کند. در واقع دین نیروی روحی و دعوت به نیروی مادی است. دین صخره مقاومت و دعوت به مقاومت شدید است. پس استعمار غرب چاره ای جز دشمن بودن با دین را ندارد.

علاوه بر این، ترس استعمار از روح اسلامی و کوشش برای نابودی اسلام، عاملی است که همه غربی ها را با همدیگر مرتبط ساخته است. در این میان، نقش صهیونیسم را در دشمنی و حيله بر ضد اسلام و جمع آوری نیروها بر ضد اسلام را فراموش نمی کنیم. بنابراین، غرب دشمن ما و بالخصوص دشمن دین ماست و ما باید برای مقابله با آن کوشش های فراوانی به کار بریم. علیرغم تمامی این ضربات، روح اسلامی همچنان سالم مانده و نیروی ذاتی آن در مجرای زندگی انسانی به طور کلی تاثیر می کند و در سیاست های جهانی و روش آن ها، از چهلده قرن تا به امروز، نقشی را به عهده می گیرد. به طوری که هیچ نهضت سیاسی یا جنگی در جهان به وقوع نپیوسته مگر آن که نقش اسلام را بررسی کرده اند. حتی در دوران های ضعف و تفرقه و تزلزل زندگی روحی و اجتماعی و اقتصادی در جهان اسلامی. بنابراین لازم است که در دل افراد و توده ها، به موازات تشریح و قانون اسلامی که زندگی را نظم می بخشد، طرز تفکر اسلامی را زنده کنیم. و فرهنگ تنها وسیله طبیعی ایجاد این طرز فکر است. (سید قطب، بی تا، ص 442-448) اما یکی از مهم ترین انتقاداتی که او به غرب دارد تلاش برای جدایی دین از سیاست است که تنها حاصل تجربه جامعه خود آن ها از دین مسیحیت بوده ولی به سایر ادیان تعمیم داده شده است. سید قطب در این رابطه می گوید: یکی بودن دین، حکومت و زندگی، بدیهی است ولی شرایط نکبت بار اروپا آن را به سوال کشیده و این خود ماییم که محصول آن بذر زهر آگین را به جامعه مان آوردیم. (سید قطب، بی تا، ص 31-46) و یا در جای دیگری بیان می کند: کدام دست جنایتکاری، دست قدرتمند دین را از قلمرو زندگی انسان کوتاه کرد؟ گناه این گمراهی بزرگ بر دوش اروپاست که همه جهان را آلوده کرد.



(همان، ص 55) سید غرب و فرهنگ آن را نفی می کرد. وی همانند دیگر متفکران متعهد جهان اسلام مانند سید جمال الدین اسدآبادی، محمد عبده، اقبال لاهوری و ... به شدت با فرهنگ غرب مخالفت می کرد و از اندیشه و اخلاق غربی انتقاد می نمود. سید مقاله ای به نام «عود الی الشرق» به چاپ رساند و در آن فرهنگ غرب را فرهنگی حیوانی و پست خواند. در قسمتی از این مقاله آمده است: «حیات غرب بدون شک هم لذیذتر است و هم راحت تر، ولی از نظر انسانیت بهتر، والاتر و گرامی تر نیست. حیات غرب حیاتی است که زن در آن از هر قیدی رهاست. آری حیات غرب، حیات لذیذی است. لکن حیاتی است پست تر از حیوان، زیرا فقط غرایز جنسی دیده می شود. در غرب هیچ قیدی نیست و این را آزادی می نامند. بله آزادی است اما نه آزادی روح بلکه آزادی بدن، آزادی حیوانیت نه آزادی انسانیت» (قطب، بی تا، ص 130) سید قطب نوید می دهد که سیادت غرب رو به زوال است چون نتوانسته برنامه ای مبتنی بر شناخت خدا، جهان و انسان بیاورد و بشر را تعالی دهد. (قطب، بی تا، ص 119)

ب) سید قطب و حاکمیت اسلام

اسلام یک سیستم و نظام اجتماعی کاملی است که جنبه های گوناگون آن، آمیخته به یکدیگر است. اسلام سیستمی است که در در طبیعت اصول خود، اندیشه اش درباره زندگی، وسایل خود در اداره امور، به طور کلی با رژیم های غربی، اختلاف دارد. بدون شک، نظام اسلامی در پیدایش مشکلات موجود در جوامع امروز نقشی نداشته و ندارد، بلکه همه این مشکلات، ناشی از طبیعت و چگونگی رژیم هایی است که در این جوامع حکمفرما هستند. (قطب، بی تا، ص 43) اکنون قرن هاست که دشمنان اسلام کوشش و جدیت خود را در این راه صرف می کنند که اسلام را فقط یک اعتقاد درونی و یک سلسله عبادات و تشریفات در بیاورند و نقش سازندگی اجتماع و رهبری نیروهای انسانی را (که بزرگترین خاصیت این آیین مقدس ایست) را از آن بگیرند و آن را از شکل واقعی خود در آورند و از مسیر اصلی منحرف سازند. (قطب، بی تا، ص 4) به اعتقاد او، این روزها امریکایی ها نیازمند اسلام هستند تا در خاورمیانه و کشورهای اسلامی با کمونیسم بجنگد. روی همین اصل، امروز کافی نیست مردم را به طور مبهم به اسلام، قرآن، احکام الهی و قوانین اسلامی، نظام حکومتی و ... دعوت کنیم. دعوت مردم به سوی این مسایل بدون دلیل منطقی، صحیح و مفید نخواهد بود. کاملاً ضروری است که ما مراکز برای پرورش و تربیت اسلامی افراد داشته باشیم. این پایه و اساس کار ماست و نباید غافل شوید. (قطب، بی تا، ص 61) برای ما قطعی است که بشریت به سوی خدا و به سوی برنامه و نظام الهی بازگشت خواهد کرد و



مطمئنیم که آینده در قلمرو اسلام خواهد بود. (قطب، بی تا، ص 13) سید، اسلام را یگانه دین رهایی بخش از مشکلات جوامع بشری می دانست و معتقد بود هیچ نظامی غیر از نظام اسلام نمی تواند سعادت بشری را فراهم کند. وی هم چنین معتقد است آینده در قلمرو اسلام خواهد بود. در این باره می نویسد: «شکی نیست علیرغم این دشمنیها و کارشکنیها، آینده در قلمرو اسلام است و ما اینک جهادی طولانی، دشوار و پرخطر داریم. این جهاد برای نجات فطرت از لابلای انبوه ابرهای تیره و پیروز ساختن آن بر تیرگیهاست. باید برای این جهاد مجهز شویم و قوای فراوان آماده سازیم. تجهیزات لازم برای این جهاد فقط یک چیز است: آشنایی کامل با حقایق اسلام و فراگرفتن دین در سطح عالی آن». (قطب، بی تا، ص 168)

ج) سید قطب و مبارزه با کمونیسم

کمونیستها قبل از هر چیز معتقدند که روانشناسی سخن بیهوده است. ولی نه از آن جهت که روانشناسی را محیط بر همه جنبه های گوناگون روان آدمی نمی دانند، بلکه برای اینکه روانشناسی برای آدمی تمایلات فطری اثبات می کند و این سخن مقدمه این خواهد شد که عده ای بگویند علاقه به "تملک" و "مالکیت دوستی" نیز یک تمایل فطری است که در همه افراد وجود دارد. از این جهت همه چیز در نظر آنان به صورت خرافات سرمایه داران جلوه می کند. کمونیست ها به انسان فقط با یک نظر مادی حیوانی می نگرند، و همه جنبه های روحی و فضایل را در مورد انسان انکار می کنند. موقعیت آنان در این باره همان موقعیت قسمت های دیگر غرب مادی است. و از این جهت باید کمونیسم را آخرین مرحله تمدن مادی اروپا و غرب دانست. از نظر کمونیسم، یگانه حقیقت ازلی "اقتصاد" است. (قطب، 1391، ص 136) دنیا پس از دو جنگ پی در پی جهانی، امروز به دو بلوک بزرگ تقسیم شده است؛ بلوک کمونیسم در شرق و بلوک سرمایه داری در غرب. ما معتقدیم این یک تقسیم ظاهری و یک تقسیم مادی مبتنی بر مصالح و منافع خاصی است. در طبیعت و حقیقت طرز فکر اروپایی، آمریکایی، روسی هیچ گونه فرق و تفاوتی پیدا نمی شود. ولی در اوضاع و امکانات اقتصادی و اجتماعی آنان تفاوت های مختصری وجود دارد و اصولاً آن چه که یک فرد آمریکایی را از کمونیست شدن باز می دارد، طرز فکر و عقیده او درباره چگونگی زندگی واقعی _ که تفسیر مادی تاریخ و زندگی و هستی را طرد می کند _ نیست، بلکه برای آن است که فرصت و امکانات موجوده به او اجازه می دهد که خود فردا سرمایه دار شود. و هم چنین برای آن است که فعلاً مقدار مزد کارگر در آن سامان کمی بیشتر است. ولی زمانی که چنین شرایطی فراهم نشد، بدون شک کارگر آمریکایی به



کمونیسم روی می آورد، زیرا دیگر برای او نگرانی در زندگی بالاتر از طرز فکر مادی نیست و هیچ گونه پناهگاهی از عقیده معنوی و مقامات عالی اخلاقی هم برای وی وجود خارجی ندارد. مبارزه بین دو اردوگاه شرق و غرب که با شدت تمام ادامه دارد، ما را قول نمی زند. زیرا هر دوی آن ها جز فکر مادی در باره زندگی، چیز دیگری ندارند. هر دو به خاطر قدرت و نفوذ در جهان و سود در بازارهای اقتصادی می جنگند. (قطب، بی تا، صص 505 و 506) شرق و غرب هر دو در راه از بین بردن ما با هم همکاری دارند. (قطب، بی تا، ص 91) و کمونیسم گام در راه فناء و زوال نهاده است. (قطب، بی تا، ص 394)

اما در این میان اسلام تنها نیروی حقیقی است که در مقابل طرز فکر مادی اروپا و آمریکا و روسیه شوروی قرار دارد و با آن ها مبارزه می کند. (قطب، بی تا، ص 506) طبیعت طرز فکر غرب - اروپا و آمریکا - در واقع و حقیقت خود از طبیعت روسیه و شوروی جدا نیست. هر دو بر پایه تحکیم طرز فکر مادی در زندگی استوارند. اگر روسیه شوروی کمونیستی شده، اروپا و آمریکا هم در همان راه گام بر می دارند و به طور قطع سر انجام یکسانی خواهند داشت. سرمایه داران و خوشگذران ها می دانند که کمونیسم چه می خواهد. آن ها همانند مردم کوتاه فکر که از جن و غول می ترسند، از اسم کمونیسم می ترسند و فرار می کنند؛ ولی باید بدانند که برای نجات آن ها و برای همه بشریت پناهگاهی جز اسلام نیست. آری! ما هم امروز بر سر دو راهی قرار داریم، یا باید در آخر کاروان غربی که خود را "کاروان دمکرات" نامیده راه برویم و سر انجام هم همراه آنان به کاروان شرقی که در نزد آن ها به نام "کمونیسم" معروف است برسیم و به آن ملحق شویم و یا اینکه به راه و روش اسلام برگردیم و آن را در تمام شئون زندگی خود حکومت دهیم و از آن نیرو و کمک خواهیم بدون شک، اگر امروز ما برنخیزیم، فردا هرگز نخواهیم توانست آن را عملی کنیم. (سید قطب، بی تا، ص 508) هواداران و دعاة کمونیسم در سرزمین های پاک ما، گروه اندکی هستند و همچنان در اقلیت خواهند ماند. برای آن که مذهب کمونیسم، نسبت به ما یک مذهب غیرطبیعی است و چون ما نیازی به آن نداریم، سرزمین ما برای رشد آن مساعد نخواهد بود. (قطب، بی تا، ص 95) سید قطب در جای دیگر کمونیسم را با بردگی یکسان دانسته و معتقد است که، از بردگی روم گرفته تا نظام اقطاع، تا سرمایه داری، تا مارکسیسم همه ی اینها، نظامات افراطی یک طرفه ای هستند که می خواهند با یک راه افراطی، راه دیگری را معالجه کنند، نظاماتی هستند که می خواهند ستمی را که به یک طبقه ی انجام گرفته با ستمی که به طبقه ی دیگر انجام می دهند معالجه کنند. در این نظامات حتی یک بار هم کفه ی ترازو به



اعتدال نکراییده و میان همه ی طبقات عدالت برقرار نشده. اولین عدالت جز در سیستم الهی به طور کامل انجام پذیر نیست. (قطب، 1365، ص 125) غرب ها امروز نیازمند اسلام هستند، هم چنان که نیازمند همکاری مردم آلمان، ایتالیا و ژاپن هم هستند که در جنگ جهانی کشور آنان را ویران نموده و با خاک یکسان کرده اند. اسلامی که غربیهای استعمارگر و هم پیمان هایشان در شرق میانه، خواستار آن هستند، همان اسلامی نیست که با استعمار می جنگد و با خودکامگی مبارزه می کند، بلکه فقط "اسلامی" است که با کمونیسم مبارزه می کند. آن ها نمی خواهند که واقعا اسلام حکومت کند و هرگز هم قدرت تحمل آن را ندارند که اسلام حکومت را به دست بگیرد. برای آنکه اگر اسلام حکومت را به دست بگیرد، ملت ها را از نو می سازد. در میان توده ها دگرگونی ایجاد می کند و آنگاه به جهانیان می آموزد که تجهیز قوا بر ضد امپریالیسم و استعمار، یک وظیفه و واجب دینی است. لذا، غربی ها برای خاورمیانه یک "اسلام غربی" را لازم دارند. و درباره اسلامی که با امپریالیسم غرب همانند کمونیسم می جنگد، سخن نمی گویند. (سید قطب، بی تا، ص 105)

د) سید قطب و جهاد

از نظر سید قطب، جهاد اصلی ترین ابزار تبدیل جامعه جاهلی به جامعه اسلامی است. در جامعه جاهلی برخلاف جامعه اسلامی، حاکمیت دیگران و نه حاکمیت خداوند اعمال می شود، و چنین حاکمانی بر موضوع عبادت و ستایش قرار می گیرند. ویژگی این جامعه به اوج رساندن صاحب قدرت از سوی مردم است؛ و جامعه اسلامی جامعه ای است که اسلام در آن به کار گرفته می شود. ایمان، ستایش خداوند، قانونگذاری و... می تواند از ویژگی های جامعه ی اسلامی باشند. (کوپل، 1366، ص 49) جهاد حرکتی دینامیک است در وجود انسان، برای شدت انسانی فرد، و عاملی دگرگون ساز است برای جامعه در مبارزه با جاهلیت اعتقادی و پنداری. طبعاً این جهاد عاملی است برای از میان برداشتن نظام ها و قدرت هایی که بر جامعه استوارند. بدون چنین عامل دگرگونی رفتارها و پندارهای اجتماعی میان جمهور خلق و تصحیح بیان و تصورات و معتقدات غیر ممکن است. (قطب، بی تا، ص 8) جهاد در اسلام دارای انواع مختلفی است: جهاد با دشمنان اسلام در خارج و جهاد با ستمکاران داخلی که این ها جهاد کوچکی هستند. همانطور که پیامبر فرمود: "ما از جهاد کوچک به سوی جهاد بزرگ برمی گردیم." و این جهاد بزرگ همان جهاد با نفس است که حدود وسعت و زحمت و تلاش آن به مراتب بیشتر است. (قطب 1391، ص 245) از



دیدگاه قطب، جهاد برای دعوت، یک ضرورت است؛ چرا که اهداف دعوت همان آزادی انسان است. اعلان جدی که واقع گراست... پس بیان فلسفی و نظری کافی نیست. (سوزنگر، 1383، ص 256)

ه) سید قطب و همکاری با اخوان المسلمین

مهم ترین دوران مبارزه سید قطب به زمانی مربوط می شود که به جمعیت اخوان المسلمین پیوست. جمعیت اخوان المسلمین یکی از جمعیت های مبارز در سال های 1930 تا 1960 میلادی بود که در بیشتر کشورهای عربی فعالیت می کرد و مقر اصلی آن در مصر قرار داشت. این جمعیت را حسن البناء (م 1368ق) در شهر اسماعیلیه مصر در ذی القعدة سال 1347 پایه گذاشت و

فعالیت خود را در مدرسه «التهدیب» با تعلیم قرآن، تجوید، حدیث، تفسیر و دیگر علوم اسلامی، آغاز کرد. حسن البناء در سال 1350 قمری، رساله ای در بردارنده اهداف جمعیت اخوان المسلمین منتشر کرد و در جایگاه دبیرکل جمعیت برگزیده شد. (بجنوردی، 1380، ج 7، ص 271) اندیشمندان در مورد علل شکل گیری اخوان المسلمین دیدگاه های کم و بیش مشابهی دارند. خود حسن البناء سستی های اخلاقی و گسترش معیارهای غربی و شیوع جریان های فکری غیر اسلامی را از مهم ترین علل گرایش خود به اصلاح اجتماعی و بنیانگذاری اخوان المسلمین می داند. (مرامی، 1378، ص 73) به عقیده حسن البناء اخوان المسلمین به دلیل شکست غرب در تغذیه روحی بشر برخاسته است. موقعی که تحولات سیاسی اجتماعی و گستردگی معنوی زندگی مسلمانان را بررسی می کنید، پی می بریم چنان چه قرار باشد، جهان اسلام تولدی مجدد یابد، باز هم اسلام را برخواهید گزید و این روند همیشه سیر صعودی داشته است. (آقایی و خسروی، بی تا، ص 15) هنگام جنگ اعراب و اسرائیل در سال 1948 میلادی جمعیت اخوان المسلمین به یاری ملت فلسطین شتافت و بسیاری از اعضای آن در این جنگ شرکت کردند. پس از این وقایع، از طرفی محبوبیت اخوان المسلمین بین مسلمانان به شدت افزایش یافت و از طرف دیگر، دربار مصر و استعمار پیر انگلیس از آنان عصبانی و ناراحت شدند؛ از این رو به فرمان ملک فاروق در سال 1368 قمری فرمان انحلال جمعیت صادر شد و به تلافی این فرمان، جمعیت اخوان المسلمین نخست وزیر مصر (نقراشی پاشا) را کشتند و حکومت وقت نیز به تلافی این اقدام، دبیر کل این جمعیت یعنی «حسن البناء» را در سال 1369 قمری ترور کرد (بجنوردی، 1380، ج 7، ص 271). ترور حسن البناء زمانی بود که سید قطب در امریکا به سر می برد. او می دید که نشریات امریکایی به شدت از کشته شدن حسن البناء ابراز خوشحالی



می‌کنند؛ بدین جهت همان‌جا تصمیم گرفت پس از بازگشت از امریکا در سال 1951 میلادی به طور رسمی به اخوان المسلمین بپیوندد. وی چنان به این گروه علاقه داشت که همیشه می‌گفت: من در سال 1951 میلادی متولد شدم. او در سال 1952 به عضویت شورای رهبری اخوان المسلمین در آمد و رئیس اداره تبلیغات شد. (کوپل، 1366، ص 39). سید خود جریان عضویت در اخوان را چنین شرح می‌دهد: "در سال 1955م، به جرم توطئه علیه نظام حاکم دستگیر و به بیست و پنج سال زندان محکوم شد. در سال 1964 جهت مراقبت های شدید پزشکی بر اثر شکنجه ی فراوان آزاد شدم. پس از آزادی با گروهی قلیل که نوشته های مرا خوانده بودند و تقاضای ملاقات جمعی با من را داشتند، ملاقات کردم. و من با آنان موافقت کردم. آن ها بعد از فاجعه ی 1954 تشکیل یک گروه انتقامی را داده بودند. و به این نتیجه رسیده بودند که یک حرکت محدود و یک قیام غیر عمومی بالمال حرکت کور بوده و مطلوبیتی نخواهد داشت. در تدارک طرحی تربیتی و فرهنگی بودند تا نهضت در میان مردم قوام گیرد. صحبت هایی در این مورد در میان ما ردو بدل می شد و فرمول های تربیتی جهت بالا بردن فرهنگ عمومی برای فراهم سازی جو قیام ارایه

گردید. در همان اوایل از من خواستند تا به عنوان یک ایدئولوگ رهبری و ارشاد فکری آن ها را به عهده بگیرم. جلسات متعددی تشکیل می دادیم و همیشه در طول جلسات یک سوال داشتیم و آن اینکه اگر در طول این حرکت مسالمت آمیز با موج و خفقان و ترور رژیم روبرو گشتیم، چه راهی در پیش بگیریم و این درس را ما از فاجعه ی 1954 آموخته بودیم. (سوزنگر، 1383، ص 29) اما در کشاکش میان اخوان المسلمین و افسران آزاد، سید قطب طرف هضیبی، مرشد عام اخوان را گرفت و در نتیجه سه ماه اول سال 1954 را در زندان گذراند و در سوم ژوئیه 1954 هضیبی او را به عنوان سر دبیر "الاخوان المسلمون" برگزید. (کوپل، 1366، ص 40) بعدها در اثر قضیه ی ترور ناصر، سید قطب مانند سایر مبارزان دستگیر و به بیست و پنج سال زندان محکوم شد. وی در زندان به نوشتن کتاب ادامه داد و تفسیر نفیس فی ظلال القرآن را در زندان نگاشت و حتی آن ها را به صورت جزوه هایی در قاهره منتشر کرد. سپس کتاب معالم فی الطریق را نوشت که بعدها همین کتاب زمینه اعدام او را فراهم کرد. در دادگاه به سید اجازه انتخاب وکیل ندادند و در نهایت او را به اعدام محکوم کردند. اما هنگامی که رأی دادگاه خوانده شد سید گفت: "من پیش از این هم می دانستم طبقه حاکم نمی خواهد من زنده بمانم. بار دیگر اعلام می کنم که نه پشیمان هستم و نه اظهار ندامت می کنم و نه از این رأی اندوهناکم؛ بلکه خوشحال و مسرورم که در راه هدف مقدس و ایده آلم کشته شده ام. البته تاریخ آینده درباره ما و حکومت داوری خواهد کرد که کدام یک از ما صادق و برحقیم." (سوزنگر، 1383، ص 30-32)



رویکرد سیاسی اجتماعی سید در فی ظلال القرآن

تفسیر فی ظلال القرآن کتابی است که نگارنده‌اش با روح، اندیشه، شعور، و همه هستی‌اش با آن زندگی کرد و گزیده‌^۱ تجربه‌^۲ زنده‌اش در عالم ایمان را با آن به راز نهاد. روش سید قطب در ابتدای تفسیرش به این صورت است که در آغاز بخشی از آیات را ذکر می‌کند سپس جو عمومی سوره مسائل تاریخی زمان نزول آیه و حقایقی را که آیه را در برمی‌گیرد، بیان می‌کند و نیز اهداف و مقاصدی را که سوره یا آیه دنبال می‌کند.

در ضمن بیان این موارد، فضیلت سوره و اسباب النزول آن و نیز تناسبش را با سوره^۳ قبلی بیان می‌کند و سپس ویژگی‌های دیگری از سوره و آیه را می‌گوید.

سپس برای بار دوم تفسیر تعدادی از آیات را با شرح و توضیح بیانی و اشاره^۴ حرکتی و تربیتی بیان کرده و گاهی آثاروارده در تفسیر آیه را متذکر می‌شود.

سید بسیار علاقمند است که خواننده را در بحث‌های لغوی، کلامی و یا فقهی، غرق نماید. در اوائل هر سوره مسائلی پیرامون تعریف سوره بیان می‌کند که این تعریف، تعریفی کامل، موضوعی، بلاغی، هنری، حرکتی و تاریخی است. وی در این تعریف، به خواننده صورتی مجمل و کافی از سوره می‌دهد. همچنین بین سوره مکی و مدنی از جهت طبیعت و موضوعات تقارن برقرار می‌کند. هر سوره را به دروسی تقسیم می‌کند که این تقسیم بندی، موضوعی است و در هر درسی یک وحدت موضوعی را مشخص می‌کند که از مسائل و مقاطع جزئی تشکیل می‌شود.

سید قطب از اسرائیلیات به دور است و نیز اختلافات فقهی و اغراق در مسائل لغوی، کلامی و فلسفی و نیز اختلافات مذهبی را ترک می‌کند. از تفسیر علمی اجتناب می‌ورزد، به جهت اینکه با بیان جزئیات از علوم طب و کیمیا (شیمی) و نجوم، این علوم را بزرگ‌شمارد. (خالدی، بی تا، ص 504)



نتیجه گیری:

در جهان اسلام، افراد بزرگی فریاد آزادی واستکبار ستیزی سر داده و مردم را به اسلام راستین و مبارزه با ظلم و ستم دعوت کرده‌اند. یکی از این شخصیت‌های بزرگ، «سید قطب» است که فریاد اسلام‌خواهی و مبارزات او با استعمارغرب، شایسته تامل و مطالعه است. وی در طول نیم قرن زندگی و جهاد، خدمات فراوانی در راه اعتلای اسلام و تحقق حکومت اسلامی انجام داد. وی به شدت با غرب و غرب زدگی مخالف بود و معتقد بود که تنها راه نجات مسلمین، پایبندی به اسلام و ارزش های اسلامی و حاکمیت اسلام است. و برای پیاده کردن اسلام ، جهاد با دشمنان را همواره شعار خود قرار داده بود. سید قطب به عنوان ایدئولوگ اخوان المسلمین، روح امید را به جوامع اسلامی ناامید، خسته و مستعمره دمید . و تلاش کرد تا به نسل کشورهای اسلامی بفهماند که نباید مغلوب تحلیل‌های شرق‌شناسان شد و نباید دلیل عقب‌ماندگی امروز کشورهای اسلامی را در ساختار اسلام دید. ایجاد ساختارهای امید برای جامعه اسلامی ناامید، هدفی بود که او داشت و تمام زندگیش را صرف آن کرد.



منابع:

1. آقای ب، خسروی خ، (بی تا)، اخوان المسلمین، تهران: انتشارات رسام، چاپ اول.
2. بجنوردی، ک، (1380)، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی
3. خالدی، ع، (1380) سید قطب از ولادت تا شهادت، ترجمه جلیل بهرامی نیا، تهران، نشر احسان،
4. خالدی، الف، (بی تا)، مدخل الی ظلال القرآن، دار عمار للنشر و التوزیع
5. سوزنگر، س، (1383)، اندیشه های سیاسی سید قطب، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
6. قطب، م، (بی تا)، آینده در قلمرو اسلام، ترجمه سید علی خامنه ای، تهران: چاپ پیام.
7. قطب، م، (بی تا)، چراغی بر فراز راه، بی جا، انتشارات حمر.
8. قطب، م، (بی تا)، عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه سید هادی خسروشاهی و محمد علی گرامی، قم: کتابفروشی مصطفوی.
9. قطب، م، (بی تا)، ما چه می گوئیم؟، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
10. قطب، م، (1365)، فاجعه ی تمدن و رسالت اسلام، ترجمه ی علی حجتی کرمانی، تهران: انتشارات القبس.
11. قطب، م، (بی تا)، ویژگی های ایدئولوژی اسلامی، ترجمه ی سید محمد خامنه ای، تهران: انتشارات بعثت.
12. قطب، م، (1391)، بشریت بر سر دو راهی، ترجمه ی ضیاء الدین روحانی و سید هادی خسروشاهی، قم: موسسه مطبوعاتی دارالعلم.
13. کوپل، ژ، (1366)، پیامبر و فرعون، ترجمه ی حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
14. مرامی، ع، (1378)، بررسی مقایسه ای مفهوم عدالت از دیدگاه مطهری، شریعتی و سید قطب، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.